

اسماء و صفات رسول... (ص) به روایت قرآن

شنبه ۲۵ ذر ماه ۱۳۸۵ / قدس

جواد همتی

مقدمه:

در سالی که مزین به نام مقدس رسول اعظم (ص) است، بررسی اسماء و صفات آن نبی خاتم، با نگاه قرآنی، راهی به سوی شناخت بیشتر آن حضرت می باشد. در کتابهای مختلف که درباره پیامبر (ص) به جا مانده ۳۰۰ اسم، لقب و صفات برای آن حضرت، ذکر شده است.

نامهایی که برای پیامبر اسلام (ص) در قرآن ذکر شده، از نگاه برخی تا چهل اسم قید شده و برای هر یک، شاهدی از آیات قرآن ذکر شده است. مطلب حاضر به بررسی برخی از اسامی متبرک آن حضرت خواهد پرداخت:

۱ و ۲- محمد و احمد

مشهورترین نام پیامبر، «محمد» (ص) است. لقب مشهور ایشان، مصطفی و خاتم النبیین، و اولین کنیه مشهورش «ابوالقاسم» است. زیرا قاسم فرزند اول حضرت بود.

اسم شریف «محمد» در سوره های آل عمران (آیه ۱۴۴)، احزاب (آیه ۴۰)، محمد (آیه ۲) و فتح بارها آمده است.

نام احمد، فقط یک بار در قرآن، در سوره مبارکه صف/ ذکر شده است. در تفسیر مجمع البیان آمده است که خداوند، نام محمد و احمد که از اسامی مقدس خود برگرفته است، برای او برگزید. ^(۱) در تفسیر نمونه، عنوان شده است که نام «محمد» را عبدالمطلب، جد پیامبر، برای ایشان انتخاب نموده و نام «احمد» را آمنه، مادر پیامبر، برای او، انتخاب کرد. همچنین ابوظالب، عموی پیامبر، نیز از پیامبر (ص) با نام «محمد و احمد» یاد کرده است. در حدیث معراج نیز خداوند یک بار با «یا محمد» و چندین بار، با «یا احمد» رسولش را مورد خطاب قرار داده است. ^(۲)

معنای «محمد و احمد»

«محمد» از ریشه «حمد» به معنای ستوده و ستایش شده است. «احمد» یعنی کسی که بیشترین حمد الهی را در بین جمیع مخلوقات دارد. «محمد» نام زمینی پیامبر (ص) و «احمد» نام آسمانی آن حضرت می باشد. در روایتی آمده است که برخی از یهودیان از آن حضرت پرسیدند. چرا شما به این دو نام، نامگذاری شده اید؟ حضرت فرمودند: «همانا من در زمین ستایش شده و در آسمان ستایش شده تر، هستم.» ^(۳) یعنی در آسمان، بیشتر از زمین، مورد ستایش

۱۴۷۷

اهل آسمان قرار گرفته‌ام. با تاسی به همین معانی است که دوستداران آن حضرت، نام آن بزرگوار را برای خود بر می‌گزینند .

همچنین امام رضا(ع) از پیامبر(ص) روایت کرده است: «هرگاه نام فرزند خود را محمد نهادید، او را گرامی دارید.»

۴و۳- نبی و رسول

واژه رسول و نبی و مشتقات آن دو، در آیات بسیاری تکرار شده و در بیشتر این موارد برای پیامبر(ص) به کار رفته‌اند .

«نبی» کسی است که بر او وحی نازل می‌شود و حامل خبری از غیب است. پیام الهی را بیان می‌کند؛ هر چند مأمور به دعوت و تبلیغ علنی نیست .

«رسول» کسی است که علاوه بر مقام نبوت، مأمور به دعوت و تبلیغ به سوی آیین الهی است. رسالت، مقامی بالاتر از نبوت است . «نبی» کسی است که در خواب می‌بیند، او وحی الهی را از این طریق دریافت می‌کند و صدای (فرشته) را می‌شنود، ولی فرشته وحی را نمی‌بیند. ولی «رسول» کسی است که هم صدا را می‌شنود و هم فرشته وحی را می‌بیند و در خواب و بیداری با وحی در ارتباط است.^(۷)

با توجه به معنای لغوی این دو، روشن می‌شود که بین آنها، در مفهوم، اشتراکی نیست. نبوت چه به معنای «رفعت» و چه به معنای «باخبر بودن» باشد، به مفهوم رسالت نیست. هر چند لازمه رسالت، که داشتن پیامی از طرف خداوند است، این است که رسول از آن پیام، با خبر باشد. لذا مفهوم نبوت اعم از رسالت است. از نظر مصداق نیز با توجه به آیات و روایات، بین نبوت و رسالت، نسبت عموم و خصوص مطلق است.^(۸)

در میان انبیا، رسول کسی است که دارای رسالت خاصی باشد، گاه پیامبران به طور کلی به پرستش و اطاعت خدا و پیمودن راه حق که همان راه بندگی خداوند است، دعوت می‌کنند، ولی گاه پیام خاصی را از سوی خداوند، برای امت خویش به ارمغان می‌آورند. بنابراین، به کسی که پیام مخصوصی از طرف خداوند دارد، رسول می‌گویند و از آن جهت که به طور کلی، مردم را به راه حق فرا می‌خواند، او را «نبی» می‌نامند.^(۹)

از جمله نکاتی که می‌تواند دلیلی بر عظمت پیامبر(ص) باشد، این است که خداوند او را با نام خطاب نکرده است، ولی انبیای دیگر را به اسم آنان، مورد خطاب قرار داده است. مانند: «یا موسی، یا داود و...» ولی درباره

حضرت محمد(ص) می‌فرماید: «یا ایها النبی»، «یا ایها الرسول»؛ زیرا مقام رسول اعظم(ص) بالاترین مقامها است. لذا این گونه با عظمت، مورد خطاب الهی قرار می‌گیرد.^(۱۰)

۵- عبد

این صفت، در سوره‌های متعددی از قرآن کریم، آمده است. از جمله: انفال (آیه ۴۱)، اسراء (آیه ۱)، کهف (آیه ۱). فرقان (آیه ۱) و... قرآن در ستایش انبیا، بعد از کلمه «عبد» و یا قبل از آن، نام خاص انبیا را می‌برد؛ مانند: «عبدنا ایوب» و... ولی درباره پیامبر خاتم(ص)، این کلمه همواره به صورت مطلق و بدون ذکر نام، یا قرینه دیگری، به کار رفته است. در قرآن کریم، در هیچ موردی: کلمه «عبد» بدون اسم یا قید ذکر نشده است؛ جز در مورد پیامبر خاتم(ص). این شیوه بیان، نشانگر عبد مطلق بودن پیامبر(ص) است.^(۱۱) عبد و بنده الهی بودن، از ارزشهای والای انسانی است؛ بلکه والاترین ارزش انسانی است. بندگی خداوند، زمینه ساز دریافت کمالات معنوی است. عبودیت، مقدمه پرواز و عروج است و بدون خروج از صفات رذیله و کسب صفات فضیلت، امکان ندارد. لذا کمال عبودیت، که به مفهوم کمال رهایی از غیر خداست، از مختصات پیامبر(ص) است.

۶- خاتم النبیین

این نام که در سوره احزاب (آیه ۴۰) آمده، از ریشه «ختم» به معنی «پایان» گرفته شده است. «خاتم» چیزی است که با آن پای نامه‌ها، اسناد و دفاتر را مهر می‌زدند. از آنجا که مهر زدن در خاتمه و پایان، قرار می‌گیرد، نام خاتم بر وسیله مهر زدن، گذارده شده است. اگر یکی از معانی خاتم، نگین انگشتر است، به خاطر این است که نقش مهرها را روی انگشترها نیز می‌کنند و به وسیله آنها، نامه‌ها و رسایل را مهر می‌زدند و یا به خاطر آن است که کار گذاشتن نگین انگشتر، آخرین عملی است که در ساختن انگشتر انجام می‌گیرد و لذا این اشکال شبهه‌افکنان که پیامبر(ص) چون نگین انگشتری در میان انبیا است، نه پایان بخش آنان، وارد نیست.^(۱۲)

در کتاب «التحقیق» آمده است: ختم یعنی کامل شدن چیزی و به آخر و انتها رسیدن. نکته جالب این که در قرآن مجید، ماده ختم و مشتقات آن، در هفت مورد دیگر به کار رفته است و بدون استثنا، به معنی پایان دادن به چیزی و یا مهری که در پایان می‌زنند، آمده است و این خود دلالت دارد که آیه مورد بحث نیز، مفهومی جز این ندارد که پیامبر خاتم(ص) پایان بخش سلسله انبیا است و مهری است که در پایان دفتر رسالت، خورده است. مانند: لیوم نختم

علی افواههم و...؛ امروز (روز قیامت) مهر بر دهانشان می‌نهم و دستهای آنها با ما سخن می‌گویند.^(۱۴) و ختم ا...
علی قلوبهم و علی سمعهم و...؛ خداوند بر دل‌ها و گوشهای آنها (منافقان) مهر نهاده و بر چشمهای آنها پرده‌ای
است.^(۱۵)

در همین خصوص جابر از پیامبر(ص)، روایت می‌کند: حضرت فرمودند: «مثل من در میان پیامبران، همانند مردی
فرزانه است که ساختمان پرشکوهی را می‌سازد و آن را کامل و جالب می‌آراید و تنها جای یک خشت طلائی و
گران‌بها را خالی می‌گذارد، روشن است که هر کسی به آن بنای پرشکوه و تماشایی وارد می‌گردد، می‌گوید: راستی
چه کاخ پرشکوهی است، جز اینکه جای یک خشت طلائی خالی است. آن گاه پیامبر گرامی(ص) فرمود: و من
جایگاه آن خشت سرنوشت‌ساز و آخرین هستم و با آمدن من، برای رساندن آخرین و جاودانه‌ترین پیام الهی حلقه
رسالت و پیامبری تکمیل شد و رسالت پایان یافت.»^(۱۶)

در این میان ممکن است این اشکال پیدا شود که قرآن می‌گوید: «پیامبر خاتم، پایان دهنده انبیا است، و نه
پایان‌دهنده رسولان، لذا ممکن است سلسله انبیا با ظهور ایشان پایان یابد، ولی سلسله رسولان، پایان نیابد. جواب آن
است که با توجه به اینکه هر رسولی، نبی نیز هست، بنابراین اگر کسی خاتم انبیا باشد به طریق اولی، خاتم رسولان
نیز هست.»^(۱۷)

۷- طه

این وصف در سوره طه (آیه ۱) آمده است. از امام صادق(ع) روایت شده است که «طه از اسامی پیامبر(ص) است
و معنی آن، «یا طالب‌الحق، الهادی الیه» است؛ «یعنی ای کسی که طالب حق و هدایت‌کننده به سوی آنی»^(۱۸) در
دعای ندبه، نیز این موضوع ذکر شده است، «یابن طه و المحکمات»؛ ای زاده طه و محکمات.»
روایات فراوانی در شأن نزول نخستین آیات سوره طه آمده است که از مجموع آنها، استفاده می‌شود که
پیامبر اعظم(ص) بعد از نزول وحی و آیات قرآنی، بسیار به عبادت و نیایش می‌پرداختند، بخصوص ایستاده به عبادت
و راز و نیاز مشغول می‌شدند و آنقدر عبادت می‌کردند که پاهای ایشان، متورم می‌شد.
آیات نخستین این سوره، نازل شد و به ایشان دستور داد که این همه رنج و سختی و ناراحتی را بر خود تحمیل
نکن: «طه؛ ای پیامبر، ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که به زحمت آفتی.»^(۱۹)

۱۴۸۰

۸- یس

این اسم در اولین آیه سوره یس آمده است. از امام صادق(ع) نقل شده است که «یس»، اسمی از اسمای پیامبر خاتم(ص) است و دلیل آن این است که خداوند بعد از آن می‌فرماید: «تو از مرسلین و بر صراط مستقیم هستی.»^(۲۰)

درباره این اسم گفته‌اند که مخفف «یا سید المرسلین» و یا «یا سامع الوحی» بوده است؛ یعنی «ای سرور و آقای پیامبران و ای شنونده وحی». ^(۲۱) در دعای ندبه خطاب به امام عصر(عج) عرض می‌کنیم: «یابن یس و الذاریات»؛ یعنی ای فرزند یس، یعنی ای زاده پیامبر.

علاوه بر این در تفسیر صافی و مجمع‌البیان از امام صادق(ع) و امام باقر(ع) روایت شده است که حضرت رسول(ص)، دوازده اسم دارد که پنج اسم آن در قرآن آمده است: محمد، احمد، عبدا... یس.^(۲۲) همچنین امام باقر(ع) می‌فرماید: اسم رسول خدا در صحف ابراهیم «ماحی»، در تورات «حاد»، در انجیل «احمد» و در قرآن «محمد» است.^(۲۳)

پی‌نوشتها :

- | | |
|---|---|
| ۱ مجمع البیان، طبرسی، ج ۳، ص ۵۲۸ | ۱۳ پیام قرآن، مکارم شیرازی، ج ۱۸، ص ۲۰۵ |
| ۲ تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۷، ص ۷۸ | ۱۴ یس، آیه ۶۵ |
| ۳ تفسیر نور، قرائتی، ج ۱۰، ص ۶۱۷ | ۱۵ بقره، آیه ۷ |
| ۴ وسایل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۹۳ | ۱۶ تفسیر نورالثقلین، ج ۶، ص ۵۹ |
| ۵ مستدرک الوسایل، ج ۱۵، ص ۱ | ۱۷ پیام قرآن، همان، ج ۸، ص ۴۰۷ |
| ۶ مجمع البیان، ص ۵۲۴ | ۱۸ سیمای شخصیتی پیامبر در قرآن، ص ۲۷ |
| ۷ وحی و نبوت در قرآن، جوادی آملی، ج ۳، ص ۷۰ | ۱۹ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۵۶ |
| ۸ راه و راهنماشناسی، ج ۵، ص ۱۵-۱۶ | ۲۰ تفسیر نورالثقلین، ج ۶، ص ۱۶۳ |
| ۹ همان، ص ۱۶ | ۲۱ سیمای شخصیتی پیامبر در قرآن، ص ۲۸ |
| ۱۰ سیره رسول اکرم در قرآن، جوادی آملی، ص ۲۶ | ۲۲ تفسیر نورالثقلین، ج ۷، ص ۳۵۳ |
| ۱۱ تفسیر تسنیم، ج ۲، ص ۲۱۹ | ۲۳ سیمای شخصیتی پیامبر در قرآن، ص ۲۳ |
| ۱۲ همان، ص ۲۴۱ | |